



درس دهم

مسئولیت همگانی

تصور کنید :

- کسی اجناس بی کیفیت را به عنوان کالای مناسب و باکیفیت به مشتریان می فروشد.
- خانواده ای در جنگل آتش روشن می کند یا زباله های خود را همان جا رها می کند.
- یکی از دوستانمان نسبت به خواندن نماز بی توجهی می کند.
- دانش آموزی به اموال مدرسه و کلاس آسیب می زند.
- خودرویی به علت نقص فنی، بیش از اندازه دود می کند و هوا را آلوده می کند.

ممکن است کسی با دیدن این کارها بگوید :

- به من چه ارتباطی دارد؟ مگر من مسئول کارهای مردم هستم؟
- گفتن من چه فایده ای دارد؟ او که به این کار عادت کرده است.
- بالاخره یک نفر پیدا می شود و به او تذکر می دهد.
- من خجالت می کشم چیزی بگویم. اگر من را جلوی دیگران ضایع بکند، چه؟!
- من می ترسم. شاید با من با تندی برخورد بکند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما آیا هر یک از دلایل بالا می تواند برای تذکر ندادن به دیگران قابل پذیرش باشد؟ چرا؟

امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته که مردم با کشتی‌های بادبانی به مسافرت می‌رفتند، با حوادث گوناگون و گاه دلهره‌آوری روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی پهناور، سرنوشت ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان هنگام خطر به خوبی درک می‌کردند که چقدر عاقبت و سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است؛ یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

حال اگر در چنین کشتی‌ای یکی از سرنشینان، جایی را که نشسته، به بهانه‌ای اینک جای خودش است، سوراخ کند، دیگر سرنشینان چه واکنشی از خود نشان خواهند داد؟ آیا دیگر کسی خواهد گفت که هرکس اختیار جای خود را دارد یا به من چه مربوط است؟ آیا کسی به بهانه‌ی خجالت کشیدن یا ترسیدن، بی‌تفاوت از کنار آن فرد خواهد گذشت؟





جامعه نیز مانند کشتی است و مردم آن همچون سرنشینان کشتی اند که سرنوشت آنها به هم گره خورده است. برای همین اگر در جامعه، شخصی بخواهد قوانین الهی یا اجتماعی را زیر پا گذارد، نمی‌توان به سادگی از کنار خطا و گناه وی گذشت.

به همین دلیل یکی از مسئولیت‌های افراد جامعه نسبت به هم، توصیه یکدیگر به کار خیر و پسندیده و بازداشتن هم از کار ناپسند است. این کار همان «امر به معروف و نهی از منکر» است. البته مؤمنان در این باره مسئولیت بیشتری دارند؛ زیرا آنها ولی یکدیگرند؛ یعنی همدیگر را دوست دارند و نسبت به سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. آنها همان‌گونه که از سعادت و خوشبختی خود لذت می‌برند، خوشبختی دیگر انسان‌ها نیز برایشان شیرین و شادی‌آور است. آنها می‌دانند که رسیدن به سعادت دنیا و آخرت تنها با عمل به دستورات دین؛ یعنی انجام اعمال نیک و ترک گناهان امکان‌پذیر است. از همین جهت، هم خود به این دستورات عمل می‌کنند و هم دیگران را به انجام اعمال صالح سفارش می‌کنند و آنان را از ترک واجبات و انجام محرمات باز می‌دارند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

مردان و زنان مؤمن،

دوستدار و یاور یکدیگرند

[و از این رو یکدیگر را] امر به معروف

و نهی از منکر می‌کنند.



آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اگر هرکس با توجیه و بهانه‌های مختلف از انجام مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

مردم نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت می‌شوند؛ کارهای نادرست و ناپسند در جامعه رواج می‌یابد و زشتی انجام بسیاری از این کارها از بین می‌رود، تا آنجا که حتی برخی زشتی‌ها به عنوان کار معروف و خوب شناخته می‌شود. تعالیم و دستورات دین در میان مردم فراموش می‌شود و انسان‌های فاسد بر مردم مسلط می‌شوند و کم‌کم آن‌قدر گناه و فساد در جامعه فراوان می‌شود که رحمت و برکت خداوند از آن جامعه برداشته و جامعه مستحق عذاب الهی می‌شود.

امام کاظم علیه السلام می فرماید :

«حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه شرورترین افراد جامعه بر شما مسلط خواهند شد و در این صورت بهترین‌های شما هم اگر دعا کنند، دیگر مستجاب نخواهد شد!»*.

به دلیل جلوگیری از بروز این آسیب‌ها و مشکلات است که امر به معروف و نهی از منکر دارای جایگاه بسیار بالا و سرنوشت‌سازی است؛ تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

«همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره در برابر دریایی بهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به دلیل انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به دلیل نهی نکردن از زشتی‌ها».



شخصی را تصور کنید که در جمع دیگران غیبت می‌کند. در جدول زیر نتایج نهی از منکر کردن و پیامد ترک آن را بنویسید.

اگر نهی از منکر نشود	اگر نهی از منکر بشود
.....	او دیگر این گناه را حداقل در آن جمع انجام نمی‌دهد.
آبروی کسی که از او غیبت شده است، در میان جمع از بین می‌رود.
.....
.....

با حرص فراوان مشغول صید ماهی‌هایی هستند که روز شنبه آنها را گیر انداخته‌اند. امروز یکشنبه است. ماهی‌هایی را که روز شنبه در آبگیرها گیر انداخته‌اند، صید می‌کنند و خوشحال‌اند از اینکه ...



دسته‌ای از قوم یهود در کنار دریا زندگی می‌کردند. آنان از یاد خداوند بسیار غافل شده بودند. خداوند برای امتحان آنان دستور داد روز شنبه، که روز تعطیلی یهودیان است، ماهی نگیرند. از طرفی روز شنبه ماهی فراوان می‌شد و این امتحان را سخت‌تر می‌کرد.

در این میان عده‌ای بودند که خود را انسان‌های زرنگی می‌دانستند. آنان در روز شنبه که ماهی فراوان می‌شد، ماهی‌ها را به آبگیرها هدایت می‌کردند و هنگامی که این آبگیرها پر از ماهی می‌شد، راه بازگشت ماهی‌ها را می‌بستند و روز یکشنبه تمام ماهی‌های گیرافتاده را صید می‌کردند.

گروهی، آنان را از این کار نهی می‌کردند و آن را نافرمانی خداوند می‌دانستند. ولی عده دیگری می‌گفتند شما چرا آنها را نهی می‌کنید؛ نهی کردن آنان فایده‌ای ندارد و خداوند آنان را عذاب خواهد کرد؛ مؤمنان در جواب آنان می‌گفتند: «ما آنان را از این کار زشت نهی می‌کنیم تا نزد پروردگارتان معذور باشیم و شاید با این کار ما، آنها از این کار دست بردارند».

تا اینکه سرانجام ...

خداوند عذابی فرستاد که در آن کسانی که ماهی می‌گرفتند و کسانی که آنان را نهی نمی‌کردند، باهم گرفتار عذاب شدند و فقط کسانی از این عذاب نجات یافتند که آنان را از نافرمانی خداوند نهی می‌کردند. داستان این قوم در قرآن کریم آمده است:

و چون اندرزی را که به آنها داده شده بود

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ

[روز شنبه ماهی نگیرند] فراموش کردند

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

کسانی را که از بدی [ماهی‌گیری روز

شنبه] نهی می‌کردند نجات دادیم

وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ

و کسانی را که ستم کرده بودند [روز شنبه

ماهی گرفته بودند و یا ماهی‌گیران را از این

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۱

کار نهی نکرده بودند] به خاطر نافرمانیشان به

عذاب شدیدی گرفتار ساختیم.

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

هدف شما در هر دو حالت، پاک کردن لباس است؛ اما روش‌ها متفاوت‌اند!
هدف ما در نهی از منکر این است که انسان خطاکار به اشتباهاتش ادامه ندهد. گاهی همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.

گاهی نیز شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست؛ در این صورت ما باید با مهربانی و با برخورد خوب، او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.
در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.



آیا با این شیوه‌ها می‌توان همواره از انجام گناهان جلوگیری کرد؟
مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد و بسیاری را گرفتار اعتیاد می‌کند، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست و باید چگونه عمل کنیم؟

چند نکته مهم

- ۱- برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.
- ۲- برای اینکه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیشتر شود، خوب است خودمان به آنچه دیگران را به آن توصیه می‌کنیم، عمل کنیم و کاری را که از آن نهی می‌کنیم، انجام ندهیم.
- ۳- هر امر به معروف و نهی از منکری، یک موفقیت است؛ زیرا اگر به نتیجه برسد، علاوه بر رسیدن به رضایت و پاداش الهی به اصلاح اطرافیان و جامعه خود کمک کرده‌ایم و اگر به نتیجه نرسد، به وظیفه خود عمل کرده‌ایم و از اجر و ثواب خداوند بهره برده‌ایم.

یک بار دیگر به منکرهای صورت گرفته و معروف‌های ترک شده در ابتدای درس توجه کنید. به نظر شما راه امر به معروف و نهی از منکر در هریک از این موارد چیست؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

- ۱- چهار مورد از آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
- ۲- با توجه به سخن حضرت علی ع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در میان اعمال نیک بیان کنید.
- ۳- چرا مؤمنان مسئولیت بیشتری درباره امر به معروف و نهی از منکر دیگران دارند؟

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

- ۱- درباره ارتباط قیام امام حسین ع با امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.
- ۲- درباره زندگی یکی از شهدای امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

الهی

ما هم اگر دوست داری، چند جمله ای با خدای خویش سخن بگو:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



دست یازدهم

اتفاق

به این آمارها توجه کنید :

- گرسنگی یکی از عوامل مهم مرگ و میر در جهان به شمار می‌رود؛ به طوری که در هر دقیقه ۳۰ نفر به علت گرسنگی، جان خود را از دست می‌دهند.
- شصت و شش میلیون کودک در مقطع ابتدایی در سراسر جهان، گرسنه به مدرسه می‌روند.
- فقر هر ساله باعث مرگ دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال می‌شود.
- ۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند.
- بیش از یک میلیارد نفر از مردم روی زمین، درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.

از سوی دیگر

- دارایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان برابر دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان است.
- با غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، سه برابر گرسنگان فعلی جهان را می‌توان سیر کرد.
- یک سوم مواد غذایی‌ای که سالانه در جهان تولید می‌شود (حدود ۱/۳ میلیارد تن) تبدیل به زباله می‌شود و هدر می‌رود.
- سالانه ۲/۴ میلیون نفر در سراسر جهان در اثر بیماری‌های ناشی از پرخوری می‌میرند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما علت این اختلاف چیست؟ چرا این وضع در جهان به وجود آمده است؟

دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند برای نجات بشر از تمامی گرفتاری‌ها و دست یافتن به رستگاری در دنیا و آخرت فرستاده است؛ به همین دلیل این دین باید راهی برای نجات مردم از فقر داشته باشد. یکی از راه‌کارهای دین اسلام برای حل این مشکل، انفاق است. در دین اسلام به مردم توصیه شده است، بخشی از اموال خود را در راه خداوند انفاق کنند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید :

«خداوند به اندازه‌ی نیازمندی‌های مردم فقیر در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است، اگر بپردازند نیازمندی‌های عمومی مردم برطرف می‌شود. اگر گرسنه یا برهنه‌ای در میان مردم پیدا شود، به این دلیل است که ثروتمندان، «حقوق واجب» اموال خود را نپرداخته‌اند»^۱.



انفاق

در سال گذشته دانستیم که رابطه‌ی میان مسلمانان، رابطه‌ی برادری است و همان‌طور که هر برادری نسبت به خواهران و برادران خود در خانواده و وظایفی دارد، برادران دینی نیز در برابر یکدیگر وظایفی دارند. یکی از این وظایف کمک مالی به نیازمندان است.

خداوند در قرآن کریم همواره انسان‌ها را به بخشش قسمتی از اموالشان به نیازمندان تشویق کرده و این اعطای مال را «انفاق» نام نهاده است :

<p>کسانی که اموال خود را انفاق می‌کنند در شب و روز به صورت پنهانی و آشکارا پاداششان نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.*</p>	<p>الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲</p>
--	--

انفاق مال آن‌قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یکی از نشانه‌های ایمان می‌داند.^۳ خداوند، حکمت انفاق را «توزیع ثروت میان فقرا و جلوگیری از انحصار آن در دست

۳- سورة بقره، آیه ۳.

۲- سورة بقره، آیه ۲۷۴.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

ثروتمندان» بیان کرده است.^۱ در صورتی که انفاق مال در جامعه گسترش پیدا کند، ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصله طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود؛ بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود؛ مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.



در روایت‌هایی که زمان ظهور امام زمان علیه السلام را وصف کرده‌اند، آمده است: در آن دوران، عقل انسان‌ها به نهایت رشد و کمال خود می‌رسد و از سوی دیگر در جامعه فقری پیدا نمی‌شود.

به نظر شما میان این دو (پیدا نشدن فقیر در جامعه و کامل شدن عقل) چه ارتباطی وجود دارد؟

بیشتر بدانیم

برای بار سوم نیمی از تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد. هیچ چیزی از قلم نیفتاده بود. هر آنچه بود، میان فقرا تقسیم شد. چشم فقرای مدینه به در خانه او بود. آنان جمع شده بودند تا با کمک‌های او بتوانند به زندگی خود سروسامانی بدهند.

او مشهور به کریم‌ترین انسان مدینه است. آوازه او همه جا پیچیده است. هر کسی وارد مدینه می‌شود، سراغ خانه حسن بن علی را می‌گیرد، چون می‌داند او تنها کسی است که همواره در خانه‌اش به روی نیازمندان باز و سفره خانه‌اش همواره برای میهمانان گسترده است و از همه آنان با بهترین غذاهای موجود در خانه پذیرایی می‌کند.^۲



۱- سورة حشر، آیه ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۲۴۳؛ سیر اعلام النبلاء ذهبی، ج ۳، ص ۲۶۷.

انواع انفاق

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق‌های واجب عبارت‌اند از: زکات و خمس. انفاق‌های مستحب عبارت‌اند از: قرض الحسنه، وقف و... در این درس با نمونه‌هایی از این دو نوع انفاق آشنا می‌شویم:

انفاق‌های واجب:

۱- زکات: زکات در اصل به معنای پاک شدن از دلبستگی‌ها و آلودگی‌هاست و به نوعی از انفاق گفته می‌شود که به برخی از دارایی‌های انسان تعلق می‌گیرد. این دارایی‌ها سه دسته است: **غلات:** گندم، جو، خرما و کشمش، **دام‌ها:** شتر، گاو و گوسفند، **سکه‌ها:** طلا و نقره. اگر کسی از این دارایی‌ها، به اندازه‌ای که در دین تعیین شده است، داشته باشد، بر او واجب است بخش مشخصی از آن را در راه خدا انفاق کند.^۱

پرداخت زکات موجب مصونیت مال از نابودی و پربرکت شدن آن می‌شود. اگر زکات اموال داده نشود، خداوند نعمت‌هایش (بارندگی، حاصل خیزی، فراوانی و...) را از صاحبان آنها بازمی‌دارد. **زکات فطره (فطریه):** زکات فطره، زیرمجموعه زکات است. کسی که هنگام غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل و هشیار باشد و فقیر هم نباشد، باید برای خود و کسانی که او هزینه زندگی آنان را می‌دهد، به ازای هر نفر سه کیلوگرم گندم یا جو یا برنج یا هر غذایی را که در طول ماه مبارک رمضان بیشتر از آن استفاده کرده است، به مستحق بدهد. البته اگر پول آنها را هم بدهد، کفایت می‌کند.



به آمار تقریبی تولید سالانه چهار محصول مهم کشاورزی در ایران، توجه کنید:

۱- سیزده میلیارد کیلوگرم گندم

۲- سه میلیارد کیلوگرم جو

۳- یک میلیارد کیلوگرم خرما

۴- سیصد میلیون کیلوگرم کشمش

به نظر شما اگر فقط زکات این محصولات (که تقریباً حدود هزار میلیارد تومان است)، پرداخت شود، چه تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد می‌شود؟

۱- میزان این دارایی‌ها و مقدار دقیق زکات هر کدام از این موارد در رساله توضیح‌المسائل مشخص شده است (دبیران محترم می‌توانند توضیحات تکمیلی در این خصوص را در کتاب راهنمای معلم مشاهده کنند).

۲- **خُمس**: هر مسلمانی که از طریق کار، درآمدی کسب می‌کند، پس از صرف هزینه‌های سالانه زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را که باقی مانده است، به عنوان خمس بپردازد. خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید پرداخت می‌شود تا آن را در راه‌هایی که قرآن کریم، رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام مشخص کرده‌اند، صرف کنند. آشنا کردن مردم با معارف دینی، دفاع از کشورهای اسلامی، تربیت دانشمندان علوم دینی، تألیف و توزیع کتاب‌های دینی و ... از مواردی است که خمس می‌تواند صرف آن شود.

نکات قابل توجه در خمس

- هر کسی که از طریق تجارت، صنعت، کشاورزی یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورد، باید برای خود «سال مالی»^۱ داشته باشد و در انتهای «سال مالی»، اگر به اموال او خمس تعلق می‌گیرد، خمس اموالش را بدهد.
- با پولی که خمس آن پرداخت نشده است، نمی‌توان چیزی خرید؛ به عنوان مثال اگر با آن پول خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.
- به آذوقه‌هایی مانند برنج، روغن و هر خوراکی دیگری که از درآمد سال، برای مصرف در خانه خریده شده است و در پایان سال مالی باقی مانده است، خمس تعلق می‌گیرد.
- زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی رایج آنها باشد و حالت پس‌انداز داشته باشد، باید خمس آن پرداخته شود.

بیشتر بدانیم

سیره شهدا

شهید مهدی باکری یکی از سرداران بزرگ کشورمان در دوران دفاع مقدس بود. یکی از ویژگی‌های او عمل به احکام دین با دقت کامل بود. او سعی می‌کرد همیشه نماز خود را در اوّل وقت و به جماعت اقامه کند. او در پرداخت خمس نیز بسیار دقیق و حساس بود. یکی از دوستان وی نقل می‌کند که در اواخر اسفند ماه یکی از سال‌های اول جنگ بود که دیدیم آقا مهدی در سنگر مشغول شمردن پول‌های همراه خود است. سپس با خانواده خود نیز تماس گرفت و جوایز ارزش اجناس باقی مانده در منزل برای محاسبه میزان خمس آنها

۱- ابتدای سال مالی، اولین روزی است که فرد در آن درآمدی کسب کرده است (به عنوان مثال این زمان برای یک کارگر آن روزی است که اولین مزد خود را می‌گیرد یا برای یک کشاورز روزی است که اولین محصول خود را برداشت می‌کند) و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن روز است.

شد و بلافاصله مبلغ مشخصی را از اموال خود جدا کرد و آن را به یکی از نمایندگان امام خمینی رحمه الله علیه پرداخت کرد. آنگاه با خاطری آسوده، نفسی کشید و گفت: امروز سال مالی ام بود. خدا را شکر حالا اگر شهید شوم، بدهی شرعی ندارم.^۱



انفاق‌های مستحب

پس از آشنایی با خمس و زکات به عنوان دو مورد از انفاق‌های واجب، حال با دو مورد از انفاق‌های مستحب آشنا می‌شویم:

۱- قرض: قرض دادن نوعی انفاق مستحب است که بسیار بر آن تأکید شده است. این عمل تا آن اندازه ارزشمند است که در دین اسلام برای صدقه دادن ده ثواب و برای قرض دادن هجده ثواب قرار داده شده است. البته هر دو عمل از کارهای نیکو و مورد تحسین است؛ اما باید توجه داشت که در جامعه اسلامی، انسان‌های آبرومندی هستند که نمی‌خواهند از کسی صدقه بگیرند و قرض دادن به آنها موجب حفظ آبروی آنها می‌شود. از سوی دیگر انفاق مال در قالب قرض، فعالیت و کسب و کار را به دنبال خود دارد؛ زیرا کسی که صدقه می‌گیرد، به فکر بازگرداندن آن نیست؛ اما فرد قرض گیرنده باید کار کند تا مبلغ قرض را برگرداند.

۱- مهدی باکری در اندیشه و عمل، حسین علایی، چاپ اول، ص ۱۰۷.

پیامبر اکرم ﷺ درباره ارزش قرض دادن فرموده است :

«مسلمانی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده، هم وزن کوه احد، حسنات خواهد داشت و اگر برای دریافت آن مدارا به خرج دهد، از پل صراط همچون برق جهنده بدون حساب و عذاب خواهد گذشت».

البته در تعالیم معصومان از قرض گرفتن در حالت بی‌نیازی یا موارد غیرضروری نهی شده است؛ چرا که درخواست از دیگران آبروی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۲- **وقف** : وقف به این معناست که انسان در راه جلب رضایت خداوند مالکیت بخشی از اموال و دارایی‌هایش را از اختیار خود خارج کند و استفاده از آن یا استفاده از درآمد آن را در اختیار دیگران (عموم مردم، فقرا، ایتام، ...) قرار دهد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

«هنگامی که انسان مؤمن از این دنیا می‌رود، تمامی اعمال او قطع می‌شود؛ به جز سه عمل : صدقه جاریه^۱، علمی که از خود به یادگار گذاشته است و فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند^۲».

پیامبر اکرم بارها اموالی را برای استفاده مسلمانان وقف کردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز نخلستان‌ها و باغ‌های فراوانی ایجاد و چاه‌های آب زیادی حفر می‌کرد و بلافاصله آنها را برای استفاده مردم یا گروهی از آنان همانند یتیمان یا در راه ماندگان وقف می‌کردند.

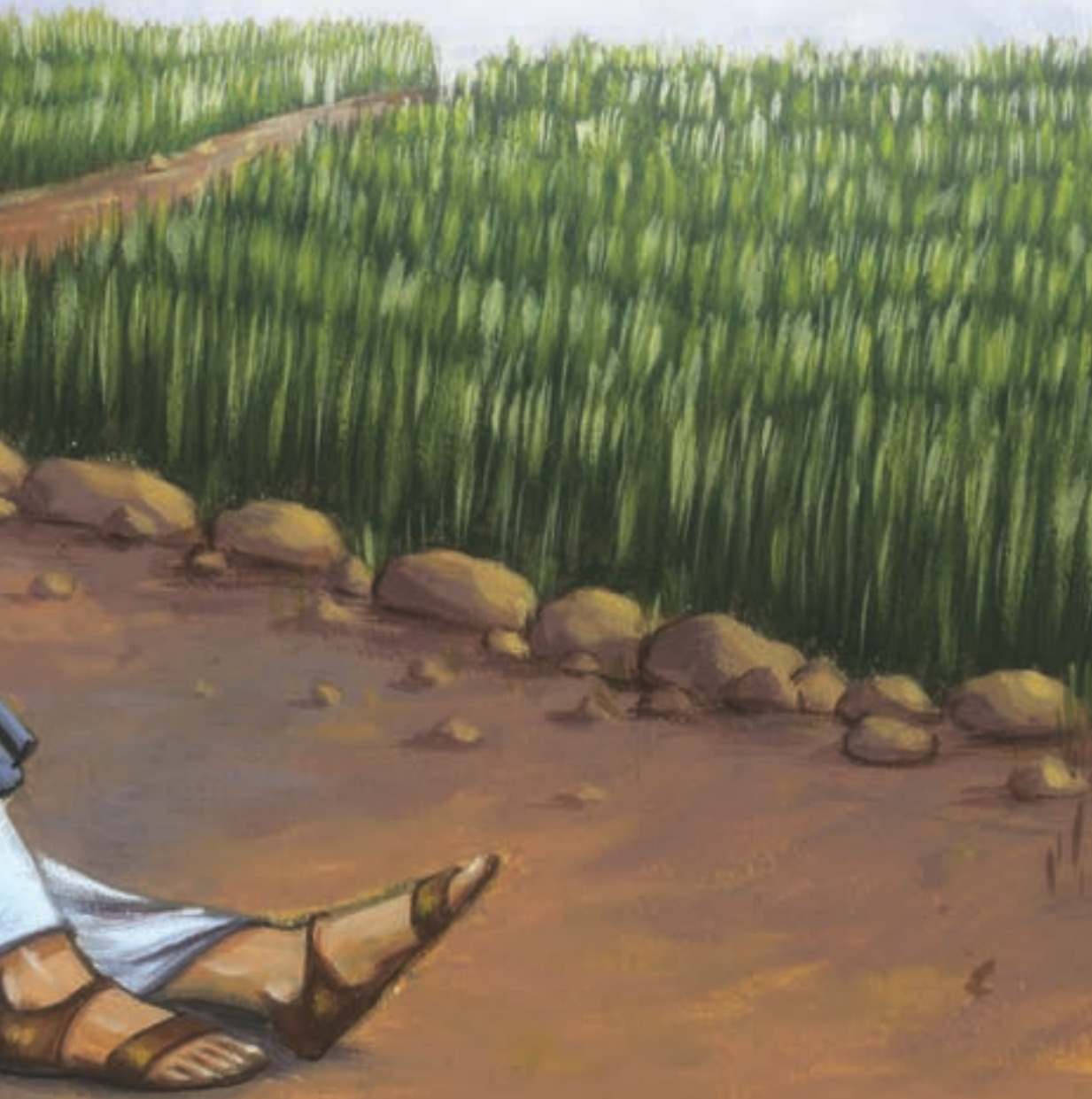
۱- ثواب الاعمال، ص ۴۱۴.

۲- با توجه به اینکه چیزی که وقف شده است، مردم همواره از آن استفاده می‌کنند و برکات آن جاری است، به آن صدقه جاریه گفته می‌شود.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲.

در یکی از وقف‌نامه‌های حضرت علی علیه السلام آمده است :

«علی، بنده خدا و امیرمؤمنان، دو مزرعه را برای فقرای مدینه و در راه‌ماندگان قرار داد، تا خداوند روز قیامت چهره او را از حرارت آتش مصون دارد. این اموال فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌شود، تا به دست وارث هستی (خدا) برسد».





در طول تاریخ اسلامی، وقف از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان تلاش می‌کردند تا در حد توان خود، بخشی از دارایی‌های خود را برای انجام کارهای خیریه وقف کنند. وقف معمولاً در این امور صورت می‌گرفت:

ساختن مسجد، حوزه‌های علمیه، کتابخانه‌های عمومی، مدارس و دانشگاه، بیمارستان‌های عمومی (در این بیمارستان‌ها فقرا کاملاً رایگان درمان می‌شدند)، خانه‌هایی برای یتیمان و بی‌سرپرستان و فقرا، وقف اموالی برای کفن و دفن فقرا، وقف آب‌انبار و تأمین آب آشامیدنی یا آب کشاورزی برای مردم، ساختن کاروانسراهایی در مسیر راه‌های زیارتی یا تجاری برای استراحت کاروان‌ها، خرید تجهیزات برای جنگ با کفار، ساختن پادگان‌ها و قلعه‌ها برای نظامیان و...

همان‌طور که می‌بینیم، نتایج وقف، منفعت رساندن به تمام مردم یا مردم مستحق است؛ بنابراین اگر در جامعه اسلامی وقف رایج شود، بسیاری از اموری که نفع آن به عموم مردم می‌رسد، توسط خود مردم انجام می‌شود و دیگر تمامی کارها بر دوش دولت قرار نمی‌گیرد.

خودت را امتحان کن

- ۱- انفاق را تعریف کنید و سه مورد از فواید آن را بیان کنید.
- ۲- یک انفاق واجب و یک انفاق مستحب را نام ببرید و هر یک را به صورت مختصر توضیح دهید.
- ۳- زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ آنها را نام ببرید.
- ۴- خمس به چه کسی پرداخت می‌شود و در چه راه‌هایی هزینه می‌شود؟

پیشنهاد

- ۱- با مراجعه به پدر و مادر خود چند مورد از موقوفات شهر خود را پیدا کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان معرفی کنید.
- ۲- با مراجعه به آیه ۲۶۱ سوره بقره، بیان کنید که خداوند در این آیه انفاق را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ به نظر شما خداوند با این تشبیه بر چه مسئله‌ای تأکید داشته است؟

الهی

ای خدای که من!

تو در این دنیا به من نعمت‌های فراوانی بخشیده‌ای

آن قدر که من از شردن آنها توانم

خدایا مرا از پیروان کسانی قرار ده که از مال دنیا به راحتی می‌گذشتند

و آن را در راه جلب رضایت تو هزینه می‌کردند.

خدایا اگر در اموال من حق و اجبی از دیگران وجود دارد آن را به من بشناسان

و مرا آن قدر توانا ساز که از مال دنیا بگذرم و آن را در راه تو انفاق کنم.

خدایا مرا وسیله خیر رساندن به سایر بندگانت قرار بده

به طوری که اگر کسی نیازی دارد من بتوانم نیاز او را برطرف نمایم.